

بررسی نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی ابعاد مختلف دینداری در دانشجویان: بر مبنای نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت

مهدی دهستانی*

چکیده

هدف پژوهش عبارت بود از بررسی نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی ابعاد مختلف دینداری. نمونه پژوهش حاضر از ۴۳۶ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های پیام‌نور تهران که به پرسشنامه‌های جمعیت‌شناختی، پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو- نسخه کوتاه و پرسشنامه دینداری پاسخ دادند، تشکیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که همبستگی معناداری بین ابعاد مختلف دینداری و عوامل شخصیتی وجود دارد؛ «برون‌گرایی» تنها عامل شخصیتی است که ارتباط معناداری با ابعاد دینداری در نمونه پژوهشی حاضر ندارد. عامل شخصیتی «گشودگی به تجربه» مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده ابعاد دینداری است و پس از آن عامل شخصیتی «وجدانی بودن» و «توافق» در پیش‌بینی ابعاد دینداری سهم دارند. براساس این یافته‌ها می‌توان گفت که عوامل شخصیتی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده ابعاد مختلف دینداری باشند و در این میان بیشترین سهم را گشودگی به تجربه دارد و پس از آن دو عامل شخصیتی وجدانی بودن و توافق تبیین‌کننده اصلی ابعاد مختلف دینداری می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: دینداری، عوامل شخصیتی، گشودگی به تجربه، وجدانی بودن

مقدمه

دانشگاه کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه بر عهده دارد و یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود و دانشجویان یکی از عاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه‌اند که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند. در بین دانشجویان که بیشتر با نهادهای مدرن در ارتباط هستند، تا حدی باورهای دینی خصلت قطعی خود را از دست داده و به موضوعی انتخابی بدل شده است (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷).

اگرچه علم و فضای آکادمیک باعث بازنگری در جهت روی آورد به مذهب می‌شود و محیط‌های آموزشی و القائات اجتماعی در بارور کردن مذهب افراد نقش اساسی دارند، ولی پذیرش این القائات بدون وجود زمینه مناسب روانی امکان‌پذیر نیست (خداپناهی و خوانین‌زاده، ۱۳۷۹). یکی از زمینه‌های مهم در این زمینه شخصیت افراد است. با توجه به شکل‌گیری شخصیت در سنین جوانی؛ فراوانی منابع ارائه‌کننده ارزش‌ها و هنجارها، ارائه تصاویر گوناگون از فرهنگ و سنت‌های گذشته و نیز مواجه شدن با اندیشه‌ها و تفکرات خارج از جامعه خودی، جوانان با چهارراه‌های تصمیم‌گیری بسیاری مواجهند و ممکن است به طرف خرده‌فرهنگ‌ها و ارزش‌های نامتناسب با ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعه خود حرکت کنند. از این‌رو، توجه به متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر روی جوانان همانند شخصیت می‌تواند سهم بسزایی در تبیین گرایش‌های دینی آنان داشته باشد. کتل^۱ (۱۹۹۵) شخصیت را سازمانی می‌داند که افراد را در پیش‌بینی رفتار خود در موقعیت‌های گوناگون یاری می‌دهد. برخی از مهم‌ترین ابعادی که تاکنون برای شخصیت برشمرده‌اند، عبارت است از: روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، پذیرش، سازگاری و وجدانی بودن. روان‌آزرده‌خویی به تمایل فرد به تجربه هیجان‌های منفی مانند اضطراب، افسردگی و خشم برمی‌گردد. برون‌گرایی به تمایل فرد به شادی، پرنرزی و معاشرتی بودن اطلاق می‌شود. پذیرش به تمایل فرد به غیرسستی و تخیلی بودن و علاقه‌مندی به هنر اشاره می‌کند. سازگاری به تمایل فرد به اعتمادورزی، کمک‌کنندگی و بخشندگی و وجدانی بودن نیز به تمایل فرد به قابل اعتماد بودن، کوشا و منظم بودن برمی‌گردد (مک‌کرای و جان، ۱۹۹۲).

تعیین این موضوع که دینداری چگونه با ابعاد اصلی شخصیت انسان ارتباط می‌یابد،

1. Cattell

2. McCrae & John

نقطه شروع مهمی در شکوفایی پیوند میان روان‌شناسی شخصیت و بررسی علمی دین است. در دهه اخیر، بسیاری از محققان در مورد این موضوع تحقیق کرده‌اند که: «آیا تفاوت‌های فردی در دینداری با تفاوت‌های فردی در صفات شخصیتی ارتباط مشخص و قابل تعریفی دارد؟»

در حال حاضر، توافقی کلی در مورد این موضوع وجود دارد که باورها و رفتارهای مذهبی می‌توانند قسمتی از واقعیت روان‌شناختی افراد (اسپیلکا، هود و گوروچ^۱، ۱۹۸۵) و هسته اصلی هویت آنان را بسازند (ازر و بنت ماتینز^۲، ۲۰۰۶) و جستجو برای یک موجود الهی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیستم انگیزشی انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود (امونز^۳، ۲۰۰۵). مذهب چهارچوبی را برای مشخص کردن اهداف شخصی مشخص می‌کند و همزمان راه‌هایی را نیز برای رسیدن به این اهداف نشان می‌دهد (پارک^۴، ۲۰۰۵). سیلبرمن^۵ (۲۰۰۵) مذهب را به نظام معنایی پیوند می‌دهد که همانند لنزی است که با آن واقعیت‌ها ادراک و تفسیر می‌شوند، مذهب می‌تواند رفتارها، هیجان‌ها و اهداف افراد را تغییر دهد. مذهب می‌تواند به زندگی افراد معنا دهد و این کار را نه تنها از راه عملکرد انگیزشی و قدرت‌دهی خود انجام می‌دهد (امونز، ۲۰۰۵)، بلکه برای انجام این کار از سیستم معنایی معنوی که با سایر سیستم‌های معنایی متفاوت است، کمک می‌گیرد (سیلبرمن، ۲۰۰۵).

پژوهش‌های بسیاری تلاش کرده‌اند که میان مذهبی بودن و شخصیت ارتباط برقرار کنند (امونز و پالوتزیان^۶، ۲۰۰۳). برای بسیاری از افرادی که در مورد روان‌شناسی مذهب پژوهش می‌کنند، بررسی ارتباط بین باورهای مذهبی و پنج بعدی اصلی شخصیت بسیار مهم است. در دهه‌های اخیر، تحقیقات گسترده‌ای برای بررسی رابطه خصوصیات شخصیتی با دین، با استفاده از مدل سه عاملی شخصیت آیزنک؛ شامل برون‌گرایی^۷، روان‌گسسته‌واری^۸ و روان‌آزرده‌خویی^۹ (آیزنک و آیزنک^{۱۰}، ۱۹۸۵) به نقل

1. Spilkam, Hood & Gorsuch
2. Ozer & Benet-Martinez
3. Emmons
4. park
5. Silberman
6. Emmons & Paloutzian
7. Extraversion
8. Psychotic
9. Neuroticism
10. Aysenck

نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۳) و مدل پنج عاملی شخصیت؛ شامل تجربه‌پذیری، برون‌گرایی، روان‌آزرده‌خویی، همسازی توافق‌جویی^۱ و وظیفه‌شناسی^۲ (مک‌کرا و کاستا، کاستا، ۲۰۰۴) انجام گرفته است و نتایج تحقیقات انجام گرفته براساس مدل سه عاملی نشان می‌دهند که از بین عوامل شخصیت، تنها عامل گرایش به روان‌گسستگی با دینداری رابطه منفی دارد و دو عامل دیگر با دینداری رابطه ندارند (ظروفی، ۱۳۸۸؛ مغانلو و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، نتایج به دست آمده از پژوهش ذوالفقاری و زمانی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که نوع دینداری دانشجویان به عنوان یک نظام ارزشی اصلی در جامعه، در نگرش آنها به عدالت اجتماعی مؤثر است.

پژوهشگرانی که از رویکرد آیزنک استفاده می‌کنند، اغلب اعتقاد دارند که پیش‌بینی‌کننده اصلی رفتار مذهبی عامل P یا روان‌گسیخته‌گرایی است (جرم و کریستنسن^۳، ۲۰۰۴). این یافته‌ها در مسلمانان (واید و جوزف^۴، ۱۹۹۷) و یهودیان فلسطین (فرنسیس و کتز^۵، ۱۹۹۲) نیز مشاهده شد.

برخی دیگر از پژوهش‌ها از رویکرد پنج عاملی استفاده کرده‌اند. مک‌کلوگ، تی‌سانگ و بریون^۶ (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که وجدانی بودن تنها عامل پیش‌بینی‌کننده گرایش‌های مذهبی در جوانان است. نویسندگان برای تبیین این یافته بیان کردند که افرادی با ویژگی‌های شخصیتی وجدانی بودن بیشتر از سایر افراد به دنبال دیدگاه‌هایی هستند که می‌توان بر مبنای آنها نظم و ساختاری مشاهده کرد. اهمیت وجدانی بودن در پیش‌بینی گرایش‌های دینداری در پژوهش‌های دیگر همچون دیرنداک^۷ (۲۰۰۴) و سوسیر و اسکرزپینسکا^۸ (۲۰۰۶) نیز مشاهده شد.

ساراگلو^۹ (۲۰۰۲) نخستین متاآنالیز را بر روی پژوهش‌های مرتبی با پنج عامل شخصیت و مذهب انجام داد. سیزده مقاله انتخاب شد و مذهب به بخش‌های عمومی (ذاتی)، دینداری باز (رشدیافته)، بنیادگرایی مذهبی، دینداری بیرونی تقسیم شد. دینداری عمومی و ذاتی بیشترین همبستگی را با توافق عامل A و وجدانی بودن یعنی

1. agreeableness
2. consciousness
3. Jorm & Christensen
4. Wilde & Joseph
5. Francis & Katz
6. McCullough, Tsang, & Brion
7. Dierendonck
8. Saucier & Skrzypinska
9. Saroglou

عامل C داشت، درحالی‌که دینداری باز و رشدیافته بیشترین همبستگی را با گشودگی به تجربه (O)، برون‌گرایی (E) و توافق داشت، برخلاف انتظارات بنیادگرایی مذهبی ارتباط معناداری با توافق، آزرده‌خویی پایین و گشودگی به تجربه کم بود. دینداری بیرونی همبستگی بسیار بالایی با آزرده‌خویی داشت و به طور کلی، ساراگلو (۲۰۰۲) نتیجه گرفت که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها عامل‌های توافق و وجدانی بودن هستند که به نظر وی، این دو عامل جزء خرده‌عامل‌های P آیزنک می‌باشند.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده به نظر می‌رسد که نمی‌توان برای به دست آوردن پاسخ درست در زمینه ارتباط میان دینداری و شخصیت، به دینداری به عنوان یک عامل کلی نگاه کرد و برای به دست آوردن دانش کافی باید حوزه‌های مختلف دینداری را به طور جداگانه و مجزا با ابعاد شخصیتی بررسی کرد. برای همین، در این پژوهش سعی شده است که به دینداری به عنوان یک کلیت غیرقابل تفکیک نگریسته نشود، بلکه تلاش شد که دینداری به ابعاد سازنده آن تقسیم و ارتباط هر یک از این ابعاد با عامل‌های مختلف شخصیت بررسی شود.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های پیام نور استان تهران تشکیل دادند. برای تعیین حجم نمونه این پژوهش، ابتدا اطلاعات مربوط به تعداد دانشجویان از سایت پیام نور تهران دریافت شد و با جایگزینی تعداد دانشجویان در فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح معناداری ۹۵/۵٪ و احتمال صحت گفتار حجم نمونه (n) در نهایت ۳۹۶ نفر تعیین شدند و با در نظر گرفتن ۱۰٪ احتمال ریزش، ۴۰ نفر به این میزان افزوده و در نهایت، حجم نمونه ۴۳۶ نفر تعیین گردید. در تحقیق حاضر، برای کاهش هزینه‌های مالی، انسانی و زمانی تحقیق در بین تمامی این دانشجویان و در عین حال، به دست آوردن مشت نمونه خروار و تصویر مقرون به واقع، ترکیبی از نمونه‌گیری طبقه‌ای، احتمال متناسب با حجم و تصادفی انجام شد و تلاش پژوهشگر بر این مبنا بود که تعدادی از دانشجویان که معرف کل جمعیت هستند، انتخاب شوند. سپس پرسشنامه‌های تکمیل‌شده جمع‌آوری شدند و مورد بررسی قرار گرفتند.

دانشگاه‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارت بودند از: پیام نور تهران، پیام نور ورامین، پیام نور اسلامشهر و پیام نور شهر ری.

ابزار پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از مقیاس‌های زیر استفاده شد:

- **پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی:** در این پرسشنامه که توسط پژوهشگر ساخته شده بود و در آن از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد که به سؤالاتی همچون جنسیت، میزان تحصیلات، زمان تولد، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و میزان درآمد و برخی از سؤالات مربوط به خانواده، مانند وضعیت پدر و مادر و میزان درآمد خانواده پاسخ گویند.

- **پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو:** نسخه کوتاه این پرسشنامه شامل شصت عبارت است. در این نسخه برای هر عامل دوازده آیتم وجود دارد. پاسخدهی به این آیتم‌ها در قالب مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، بی تفاوت، موافق، کاملاً موافق) امکان‌پذیر است.

پژوهش‌های مختلفی به بررسی پایایی پنج عامل شخصیتی این پرسشنامه پرداخته‌اند. نتایج مطالعات مختلف حاکی از این است که زیرمقیاس‌های نئو از همسانی درونی خوبی برخوردار است؛ برای مثال، کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) ضریب آلفای بین ۰/۶۸ (برای توافقی بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان‌آزرده‌گرایی) را گزارش کرده‌اند. مطالعه هلدن و فکن (۱۹۹۴) نیز حاکی از آن است که آلفای کرونباخ این عوامل در دامنه ۰/۷۳ (برای پذیرا بودن) تا ۰/۸۷ (برای روان‌آزرده‌گرایی) قرار دارد. پژوهشی دیگر (اگان، دری و آستین، ۲۰۰۰) بیانگر همسانی درونی مناسب (بیش از ۰/۷۰) برای تمامی عوامل این پرسشنامه است. نتایج پژوهش انجام شده توسط مورادیان و نزلک (۱۹۹۵) نیز حاکی از آن است که آلفای کرونباخ روان‌آزرده‌گرایی، برون‌گرایی، پذیرا بودن، توافقی بودن، و مسئولیت‌پذیری به ترتیب عبارتند از: ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳.

این ابزار افزون بر کاربرد فراوان در نمونه‌های خارج از ایران، در جامعه ایرانی نیز به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. در هنجاریابی آزمون نئو که توسط گروهی فرشی (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی آن دو شهر صورت گرفت، ضریب همبستگی پنج بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان‌آزدگی خوبی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد.

- **پرسشنامه دینداری:** این پرسشنامه توسط سراج‌زاده (۱۳۷۸) و بر مبنای الگوی گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) تدوین شد. تعریف عملیاتی دینداری در الگوی گلاک و استارک شامل پنج بعد (باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها) است. بعد اعتقادی دربرگیرنده باورهایی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین خاص بدان‌ها باور داشته باشند. بعد مناسکی شامل پایبند بودن و عمل کردن به اعمال دینی مشخصی مانند عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و... است. بعد تجربی با عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. بعد فکری یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتاب‌های مقدس را که انتظار می‌رود پیروان آنها بدانند، شامل می‌شود و درنهایت، بعد پیامدی یا آثار گرایش‌های دینی که شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با دیگران است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

پرسشنامه دینداری تدوین شده دارای ۲۶ پرسش است و چهار بعد دینداری را می‌سنجد که به ترتیب عبارتند از: بعد باورهای دینی (دارای هفت پرسش)، بعد تجربی یا عواطف دینی (دارای شش پرسش)، بعد پیامدی یا آثار دینی (دارای شش پرسش) و بعد مناسکی یا اعمال دینی (دارای هفت پرسش). همه عبارتهای پرسشنامه دارای پرسش‌های نگرشی و با استفاده از روش نمره‌گذاری لیکرت و پنج‌گزینه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق و کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شدند.

در بررسی روایی این پرسشنامه، سراج‌زاده (۱۳۷۸) ضریب همبستگی ۰/۶۲ تا ۰/۴۱ را گزارش کرده است. در پژوهش شریفی، مهرابی‌زاده و شکرشکن (۱۳۸۴) روایی پرسشنامه دینداری با استفاده از ضریب همبستگی آن با آزمون نگرش‌سنج مذهبی خدایاری‌فرد (۱۳۷۹) محاسبه شد. ضریب به دست آمده برای کل آزمون برابر با ۰/۴۵ و برای ابعاد آن ۰/۲۹-۰/۳۴ بود. پایایی این پرسشنامه نیز در بررسی شریفی و همکاران (۱۳۸۱) با استفاده از روش دو نیمه کردن برای کل آزمون و چهار بعد آن به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۰، ۰/۵۳، ۰/۶۳، ۰/۷۶ و به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۲، ۰/۵۶، ۰/۶۶ و ۰/۷۹ بود.

1. Glock & Stark

یافته‌ها

برای بررسی رابطه میان ابعاد شخصیت و دینداری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: بررسی همبستگی میان ابعاد دینداری و ابعاد شخصیت

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. بعد اعتقادی	۱									
۲. بعد تجربی	۰/۷۵ ^{**}	۱								
۳. بعد پیامدی	۰/۶۴ ^{**}	۰/۶۰ ^{**}	۱							
۴. بعد مناسکی	۰/۷۲ ^{**}	۰/۶۶ ^{**}	۰/۷۰ ^{**}	۱						
۵. دینداری کل	۰/۸۹ ^{**}	۰/۸۵ ^{**}	۰/۸۵ ^{**}	۰/۸۶ ^{**}	۱					
۶. برون‌گرایی	۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۰۶	۱				
۷. آورده‌خوبی	۰/۱۱ [*]	۰/۱۵ ^{**}	۰/۰۹ [*]	۰/۱۰ [*]	۰/۱۳ ^{**}	-۰/۴۲ ^{**}	۱			
۸. گشودگی به تجربه	-۰/۳۳ ^{**}	-۰/۲۶ ^{**}	-۰/۳۴ ^{**}	-۰/۳۳ ^{**}	-۰/۳۷ ^{**}	-۰/۱۴ ^{**}	۰/۱۲ ^{**}	۱		
۹. سازگاری	۰/۱۰ [*]	۰/۱۴ ^{**}	۰/۱۳ ^{**}	۰/۱۴ ^{**}	۰/۱۲ ^{**}	-۰/۴۲ ^{**}	۰/۴۸ ^{**}	۰/۰۳	۱	
۱۰. وجدانی بودن	۰/۱۹ ^{**}	۰/۱۹ ^{**}	۰/۱۷ ^{**}	۰/۱۴ ^{**}	۰/۱۹ ^{**}	-۰/۳۷ ^{**}	۰/۴۵ ^{**}	۰/۰۲	۰/۴۱ ^{**}	۱

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود؛ به جز بعد برون‌گرایی، سایر ابعاد شخصیت با ابعاد دینداری همبستگی معنادار دارند. گشودگی به تجربه تنها بعد شخصیتی است که با تمامی ابعاد دینداری همبستگی منفی معنادار دارد. به منظور بررسی ابعاد شخصیتی پیش‌بینی‌کننده هر یک از ابعاد دینداری، از رگرسیون گام به گام استفاده شد. در این روش، ابتدا هر یک از ابعاد دینداری به عنوان متغیر ملاک وارد مدل شدند و سایر متغیرهای شخصیتی به استثنای برون‌گرایی که با هیچ‌یک از ابعاد دینداری رابطه معناداری ندارد، به عنوان متغیر پیش‌بین وارد مدل شد. نتایج آزمون رگرسیون گام به گام در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲: آزمون رگرسیون گام به گام به منظور پیش‌بینی ابعاد دینداری

۰/۰۰۰	-۶/۷۴	-۰/۳۳	-۰/۴۲	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳ ^a	گشودگی به تجربه	۱	بعد اعتقادی
۰/۰۰۰	-۷/۰۰	-۰/۳۴	-۰/۴۳	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۳۸ ^b	گشودگی به تجربه	۲	
۰/۰۰۰	۰/۷۸	۰/۱۸	۰/۱۶				وجدانی بودن		
۰/۰۰۰	-۵/۴۹	-۰/۲۷	-۰/۲۵	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۲۷ ^a	گشودگی به تجربه	۱	بعد تجربی
۰/۰۰۰	-۵/۹۴	-۰/۲۹	-۰/۲۶	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۳۳ ^b	گشودگی به تجربه	۲	
۰/۰۰۰	۳/۸۱	۰/۱۸	۰/۱۳				آزردخویی		
۰/۰۰۰	-۵/۹۵	-۰/۲۹	-۰/۲۶	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۳۴ ^c	گشودگی به تجربه	۳	
۰/۰۱۸	۲/۳۸	۰/۱۳	۰/۰۹				آزردخویی		
۰/۰۴۴	۲/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۷				وجدانی بودن		
۰/۰۰۰	-۷/۱۵	-۰/۰۵	-۰/۳۷	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۳۵ ^a	گشودگی به تجربه	۱	بعد پیامدی
۰/۰۰۰	-۷/۱۴	-۰/۰۵	-۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۳۸ ^b	گشودگی به تجربه	۲	
۰/۰۰۱	۳/۴۸	۰/۰۳	۰/۱۳				وجدانی بودن		
۰/۰۰۰	-۷/۰۶	-۰/۳۵	-۰/۴۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۳۵ ^a	گشودگی به تجربه	۱	بعد مناسکی
۰/۰۰۰	-۷/۲۳	-۰/۳۵	-۰/۴۳	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۳۸ ^b	گشودگی به تجربه	۲	
۰/۰۰۲	۳/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۸				توافق		
۰/۰۰۰	-۷/۶۲	-۰/۳۸	-۱/۵۵	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۳۸ ^a	گشودگی به تجربه	۱	دینداری کل
۰/۰۰۰	-۷/۸۹	-۰/۳۹	-۱/۵۸	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۴۲ ^b	گشودگی به تجربه	۲	
۰/۰۰۰	۳/۵۹	۰/۱۷	۰/۵۱				وجدانی بودن		

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد؛ بعد شخصیتی گشودگی نسبت به تجارب پیش‌بینی‌کننده اولیه تمامی ابعاد دینداری است. پس از گشودگی به تجربه که پیش‌بینی‌کننده منفی ابعاد دینداری است، وجدانی بودن می‌تواند به صورت مثبت بعد اعتقادی ($\beta=0/18$)، تجربی ($\beta=0/11$)، پیامدی ($\beta=0/03$) و نمره دینداری کل ($\beta=0/17$) را پیش‌بینی کند. توافق ($\beta=0/15$) پس از گشودگی به تجربه تنها پیش‌بینی‌کننده مثبت بعد مناسکی است. گشودگی به تجربه ($\beta=-0/39$) و وجدانی بودن ($\beta=0/17$) نیز به ترتیب پیش‌بینی‌کننده نمره دینداری کل است.

بحث

یافته‌های به دست آمده حاکی از این است که بین تمامی عامل‌های شخصیت به جز

برون‌گرایی با ابعاد دینداری ارتباط معنادار وجود دارد. همبستگی‌های مشاهده شده بین عامل‌های شخصیتی؛ وجدانی بودن، سازگاری و آزرده‌خویی با تمامی ابعاد دینداری مثبت و معنادار است. با وجود این، همبستگی بین ابعاد دینداری و گشودگی به تجربه در تمامی موارد منفی است. نتایج آزمون رگرسیون نیز نشان می‌دهد که گشودگی به تجربه بیشترین سهم را در پیش‌بینی تمامی ابعاد دینداری به صورت منفی برعهده دارد. علاوه بر گشودگی به تجربه، بعد اعتقادی توسط عامل شخصیتی وجدانی بودن به صورت مثبت پیش‌بینی می‌شود. بعد تجربی توسط گشودگی به تجربه، آزرده‌خویی و وجدانی بودن، بعد پیامدی توسط گشودگی به تجربه و وجدانی بودن، بعد مناسکی توسط گشودگی به تجربه و توافق و درنهایت، نمره دینداری کل توسط گشودگی به تجربه و وجدانی بودن پیش‌بینی می‌شود. باید توجه داشت که هرچند همبستگی‌ها و نتایج رگرسیون به دست آمده معنادار است اما این همبستگی‌ها در دامنه کم تا متوسط قرار دارند.

مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده ابعاد دینداری در گروه نمونه پژوهش حاضر، گشودگی به تجربه است که به صورت منفی پیش‌بینی‌کننده تمامی ابعاد دینداری است. افرادی که در گشودگی به تجربه نمره بالایی کسب می‌کنند با ویژگی‌هایی همچون انگیزش فعال برای جستجوی موقعیت‌های ناآشنا شناخته می‌شوند. این ویژگی ارتباط بسیار زیادی با تحمل ابهام و بی‌طرف بودن دارد (مک‌کرایبی، ۱۹۹۶)؛ در واقع، گشودگی به تجربه می‌تواند با تحمل و پذیرش ایده‌های جدید، نظرات اجتماعی دموکراتیک همراه باشد، درحالی‌که افرادی که در گشودگی به تجربه نمره کمتری می‌آورند، رفتارهای محتاطانه بیشتری دارند و از امتحان ایده‌های جدید استقبال کمتری می‌کنند و هم‌نوابی کمتری با گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژیکی دارند (ون هیل، کاساوسکا و مرویلد، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد که در برخی از پژوهش‌های انجام شده بین گرایش‌های مذهبی و گشودگی به تجربه ارتباط منفی وجود دارد؛ برای نمونه، استریفلر و مک‌نالی^۲ (۱۹۹۸) مشاهده کردند که گشودگی به تجربه تنها عامل شخصیتی است که مسیحیان پروتستان بنیادگرا را از لیبرال جدا می‌کند.

افرادی که محافظه‌گرا هستند، میل کمی به تغییر دارند و در برابر کسب تجارب

1. McCrae

2. Streyffeler & McNally

جدید مقاومت می‌کنند. آنها دارای دو ویژگی مهم هستند؛ نخستین ویژگی، مقاومت در برابر تغییر است که با گشودگی نسبت به تجربه ارزیابی می‌شود (جاست^۱ و همکاران، ۲۰۰۳) و دومین ویژگی، مربوط به تمایل این افراد برای داشتن یک ساختار اجتماعی سلسله‌مراتبی و مقاومت در برابر برنامه‌هایی است که هدف آنها دستیابی به برابری است (جاست و همکاران، ۲۰۰۳). شاید در نگاه اول این دو ویژگی به عنوان ویژگی‌های افراد متعصب در نظر گرفته شود و در تضاد با باز بودن ذهن و جستجو برای عدالت و برابری در نظر گرفته شود.

با وجود این، می‌توان این خصوصیات را به عنوان ویژگی‌هایی دانست که به افراد کمک می‌کنند تا به بنیادهای اخلاقی پایبند باشند؛ با احترام به سنت‌هایی که در گذشته کارایی خود را برای برقراری رفاه جامعه به اثبات گذاشته‌اند، با وارد کردن اصول اخلاقی در مورد درستی و نادرستی و تمایل به مخالفت کردن با انحرافات اخلاقی، با احترام به سازمان‌ها و مراجع قدرت سنتی و با اعتقاد به این مسئله که ترکیبی از مهارت، سخت‌کوشی و اراده به برخی از افراد این اجازه را می‌دهد که سهم بیشتری داشته باشند.

بنابراین، در مواجهه با همبستگی منفی بین گشودگی به تجربه و ابعاد دینداری، شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که افرادی با سطح دینداری بالاتر تعهد بیشتری به اصول و ارزش‌های اجتماعی دارند که از نظر آنها کارایی خود را به اثبات رسانده‌اند و به همان میزان تلاش بیشتری برای حفظ سنت‌ها و ارزش‌های گذشته، به‌ویژه آن دسته از تعالیمی که مربوط به آموزه‌های دینی می‌شود، انجام می‌دهند.

در پژوهش حاضر، توافق و وجدانی بودن نیز دو عامل دیگر در پیش‌بینی ابعاد دینداری هستند. هرچند که سهم این دو عامل به اندازه گشودگی به تجربه پررنگ نیست، اما به نظر می‌رسد که نباید وجود نقش پیش‌بینی‌کنندگی مثبت آنها را نادیده گرفت. عامل گشودگی به تجربه، توافق به معنای توانایی اعتماد، همدردی، تبعیت، تواضع و درک دیگران است. براساس پژوهش‌های مروری انجام شده، به نظر می‌رسد که توافق همراه با وجدانی بودن بیشترین همبستگی را با گرایش‌های مذهبی دارند (ساراگلو، ۲۰۰۲؛ لودی-اسمیت و رابرتز^۲، ۲۰۰۷). توافق و وجدانی بودن را می‌توان

1. Jost

2. Lodi-Smith & Roberts

جزئی از کنترل شخصی دانست؛ یعنی اینکه افرادی با نمره بالا در این عامل‌ها توانایی سازگاری خود با آرزوها و احساسات دیگران و انجام نیازهای مرتبط با کار را دارا هستند (کامبرلند - لی، آیزنبرگ و ریسز^۱، ۲۰۰۴؛ جنسن - کمپبل^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). وجود ارتباط بین توافق و وجدانی بودن با گرایش‌های مذهبی در پژوهش‌های بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است (مک‌کولگ، تسانگ و بریون^۳، ۲۰۰۳؛ وینک، سیسیولا، دیلون و تریسی^۴، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، نمرات پایین در توافق با سطح دینداری پایین‌تر ارتباط بیشتری دارند. افزون بر این، از نظر مصاحبه‌کنندگان نیز افرادی با گرایش‌های مذهبی بالاتر به نظر همکاری‌کننده‌تر و بازتر بوده و نسبت به هم‌گروهی‌های غیرمذهبی خود شکاکیت کمتری داشته‌اند (برنان و لندن^۵، ۲۰۰۱) که تمامی موارد گفته شده، از جمله موارد مرتبط با توافق است. به نظر می‌رسد که نه تنها در پژوهش‌های انجام شده، بلکه در ذهن بسیاری از مردم مذهبی با توافق و وجدانی بودن بالاتر آمیخته شده است و مردم معمولاً افراد مذهبی را با ویژگی‌های مرتبط با این دو عامل نمره‌گذاری می‌کنند (نیلسون^۶، ۲۰۰۰؛ نیلسون و استیونز^۷، ۲۰۰۱). برخی از افراد معتقدند که در طی تجارب مذهبی مهم خود احساس توافق و وجدانی بودن بیشتری می‌کردند. از این‌رو، به نظر می‌رسد که نه تنها افراد مذهبی در توافق و وجدانی بودن نمرات بالاتری کسب می‌کنند، بلکه داشتن تجارب مذهبی نیز باعث می‌شود که نمرات افراد در این دو عامل افزایش پیدا کند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مذهب با کنترل فردی بیشتر، توافق و وجدانی بودن ارتباط دارد (فرنچ^۸ و همکاران، ۲۰۰۸). افزون بر این، مشاهده شده است که وجود والدین مذهبی موجب تقویت وجدانی بودن و توافق در فرزندان می‌شود (بارتکوسکی^۹ و همکاران، ۲۰۰۸). اگرچه این پژوهش‌ها وجود هر دو عامل توافق و وجدانی بودن را در افراد مذهبی نشان می‌دهند، اما هنوز نمی‌توان با اطمینان اظهار داشت که مذهب عامل اصلی وجدانی بودن و یا توافق در افراد است؛ هرچند که

1. Cumberland-Li, Eisenberg & Reiser
2. Jensen-Campbell
3. McCullough, Tsang & Brion
4. Wink, Ciciolla, Dillon & Tracy
5. Brennan & London
6. Nielsen
7. Stevens
8. French
9. Bartkowski

باورهای مذهبی می‌توانند به صورت خودکار خودکنترلی و در نتیجه، توافق و وجدانی بودن را افزایش دهند (وینک^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). در کنار این مسئله، تعالیم دینی ارزش‌های خاصی را به پیروان خود آموزش می‌دهند؛ برای نمونه، مسیحیان، مسلمانان و یهودیان داشتن روابط اجتماعی مثبت و سازگاری اجتماعی را بیشتر از رفتارهای فردگرایانه و لذت‌جویانه ارزشمند می‌دانند (سارگلو و همکاران، ۲۰۰۴؛ رابرتز و رابین^۲، رابین^۳، ۲۰۰۰). برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که اهداف مقدس (یعنی هدف-هایی که دارای ارزش معنوی و یا مذهبی هستند) منجر به ایجاد تلاش بیشتر در افراد می‌شوند (ماهونی^۳ و همکاران، ۲۰۰۵)، این اهداف تضادهای کمتری را در فرد ایجاد می‌کنند (امونز، چونگ و تهرانی، ۱۹۹۸).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که عوامل شخصیتی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده ابعاد مختلف دینداری باشند و در این میان، بیشترین سهم را در نمونه پژوهشی حاضر گشودگی به تجربه دارد و پس از آن، هرچند اندک دو عامل شخصیتی توافق و وجدانی بودن می‌توانند تبیین‌کننده اصلی ابعاد مختلف دینداری باشند. با وجود این، همان‌طور که از نتایج این پژوهش مشخص است، سهم این عوامل در پیش‌بینی میزان دینداری در دامنه‌ای از کم تا متوسط قرار گرفته است و برای تبیین بهتر عوامل تأثیرگذار بر دینداری (به‌خصوص در جامعه ایران)، سایر متغیرهای مرتبط را نیز در این میان همراه با عوامل شخصیتی در نظر گرفت تا بتوان تصویر روشن‌تری از دینداری و عوامل مرتبط با آن در جامعه داشت.

1. wink

2. Roberts, B. W. & Robins

3. Mahoney

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ زارع، مریم (۱۳۸۷)، «دانشگاه مدرنیته و دینداری»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- خداپناهی، محمدکریم؛ خوانین زاده سریزدی، مرجان (۱۳۷۹)، «بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت گیری مذهبی دانشجویان»، *مجله روان‌شناسی*، ش ۴، تابستان، ص ۲۰۴-۱۸۵.
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۷۹)، «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان»، *مجله روان‌شناسی*، س ۴، ش ۳، ص ۶۶-۴۹.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ حسن زمانی، سیده‌زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۱۰۵-۹۶.
- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۷۸)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، *نمایه پژوهش*، س ۳، ش ۹ و ۱۰، بهار و تابستان، ص ۱۰۵-۱۱۸.
- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۸۳)، «نیمه پنهان: گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، *زبان و ادبیات*، ش ۴۱، ص ۸۴-۵۳.
- شریفی، طیبه؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ شکرکن، حسین (۱۳۸۴)، «نگرش دینی و سلامت عمومی و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۱، ص ۸۹-۹۹.
- صادقی، منصوره السادات؛ عصار، مریم؛ پیمان پاک، فایزه؛ ابراهیمی، سیدمحسن (۱۳۹۳)، «نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا». *دوفصلنامه مطالعات اسلامی و روان‌شناسی*، س ۸، ش ۱۵، ص ۱۲۶-۱۰۳.
- ظروفی، م. (۱۳۸۸)، «بررسی سلامت روانی و رابطه آن با گرایش به اعمال مذهبی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد شبستر»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴، ص ۱۵۶-۱۴۳.
- گروسی فرشی، م. ت. (۱۳۸۰)، رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در ارزیابی شخصیت)، تهران: دانیال.
- مغانلو، م؛ وفایی، م. و شهرآرای، م. (۱۳۹۰)، «رابطه عوامل و وجوه پنج عاملی شخصیت با دینداری»، *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ش ۱، ص ۲۹-۷.

- Bartkowski, J. P., Xu, X., & Levin, M. L. (2008), "Religion and child development: Evidence from the early childhood longitudinal study", *Social Science Research*, 37, pp.18-36.
- Brennan, K. M., & London, A. S. (2001), "Are religious people nice people? Religiosity, race, interview dynamics, and perceived cooperativeness", *Sociological Inquiry*, 71, pp.129-144.
- Cattell, R. B. (1950), *Personality: A systematic theoretical and factual study (McGraw-Hill publications in psychology)*, New York, NY: McGraw-Hill.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992), "Reply to Eysenck", *Personality and Individual Differences*, 13, pp.861-865.
- Cumberland-Li, A., Eisenberg, N., & Reiser, M. (2004), "Relations of young children's agreeableness and resiliency to effortful control and impulsivity", *Social Development*, 13, pp.193-212.
- Egan, V., Deary, I., & Austin, E. (2000), "The NEO-FFI: Emerging British norms and an item-level analysis suggests N, A, and C are more reliable than O and E", *Personality and Individual Differences*, 29, pp.907-920.
- Emmons, R. A. (2005), "Striving for the sacred: Personal goals, life meaning, and religion". *Journal of Social Issues*, 61, pp.731-745.
- Emmons, R. A., Cheung, C., & Tehrani, K. (1998). "Assessing spirituality through personal goals: Implications for research on religion and subjective well-being". *Social Indicators Research*, 45, pp.391-422.
- Emmons, R. A., & Paloutzian, R. F. (2003), The psychology of religion, *Annual Review of Psychology and Aging*, 54, pp.377-401.
- Eysenck, M. W. (1998), "Personality and the psychology of religion", *Mental Health, Religion and Culture*, 1, pp.11-19.
- Francis, L. J., & Katz, Y. J. (1992), "The relationship between personality

- and religiosity in an Israeli sample", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31, pp.153-162.
- French, D. C., Eisenberg, N., Vaughan, J., Purwono, U., & Suryanti, T. A. (2008), "Religious involvement and the social competence and adjustment of Indonesian Muslim adolescents", *Developmental Psychology*, 44, pp.597-611.
- Glock, C., & Stark, R. (1965), *Religion and society in Tension*, Chicago: Rand McNally.
- Holden R.R., & Fekken G.C. (1994), "The NEO five factor inventory in a Canadian context: Psychometrics properties for a sample of university women", *Personality and Individual Differences*, 17, pp.441-444.
- Jensen-Campbell, L. A., Rosselli, M., Workman, K. A., Santisi, M., Rios, J. D., & Bojan, D. (2002), "Agreeableness, conscientiousness, and effortful control processes", *Journal of Research in Personality*, 36, pp.476-489.
- Jorm, A. F., & Christensen, H. (2004), "Religiosity and personality: Evidence for non-linear associations", *Personality and Individual Differences*, 36, pp.1433-1458.
- Jost, J. T., Glaser, J., Kruglanski, A. W., & Sulloway, F. J. (2003), "Political conservatism as motivated social cognition", *Psychological Bulletin*, 129, pp.339-375.
- Lodi-Smith, J., & Roberts, B. W. (2007), "Social investment and personality: A meta-analysis of the relationship of personality traits to investment in work, family, religion, and volunteerism", *Personality and Social Psychology Review*, 11, pp.68-86.
- Mahoney, A., Carels, R. A., Pargament, K. I., Wachholtz, A., Leeper, L. E., & Kaplar, M., et al. (2005), "The sanctification of the body and behavioral health patterns of college students", *International Journal for*

- the Psychology of Religion*, 15, pp.221-230.
- McCrae, R. R. (1996), "Social consequences of experiential openness", *Psychological Bulletin*, 120, pp.323-337.
- McCrae, R. R., & Costa P. T. (2004), "A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory", *Personality and individual differences*, 36, pp.587-596.
- McCullough, M. E., Tsang, J., & Brion, S. (2003), "Personality traits in adolescence as predictors of religiousness in early adulthood: Findings from the Terman longitudinal study", *Social Psychology Bulletin*, 29, pp.980-991.
- Mooradian, T. A., & Nezlek, J. B. (1995), "Comparing the NEO- FFI and Saucier & Mini Markers as measures of the Big Five", *Personality and Individual Differences*, 21, pp.213-215.
- Nielsen, M. E. (2000), "Descriptions of religious experience using trait and affect adjectives", *Psychological Reports*, 86, pp.308-310.
- Nielsen, M. E., & Stevens, R. (2001), "Descriptions of religious experience among U.S. Christians and Muslims", *North American Journal of Psychology*, 3, pp.77-89.
- Ozer, D. J., & Benet-Martinez, V. (2006), "Personality and the prediction of consequential outcomes", *Annual Review of Psychology*, 57, pp.401-421.
- Park, C. L. (2005), *Religion and meaning*, New York: The Guilford Press.
- Roberts, B. W., & Robins, R. W. (2000), "Broad dispositions, broad aspirations: The intersection of personality traits and major life goals", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, pp.1284-1296.
- Saroglou, V. (2002), "Religion and the five factors of personality: A meta-analytic review", *Personality and Individual Differences*, 32, pp.15-25.
- Saroglou, V., Delpierre, V., & Dernelle, R. (2004), "Values and religiosity:

- A meta-analysis of studies using Schwartz's model", *Personality and Individual Differences*, 37, pp.721-734.
- Saucier, G., & Skrzypinska, K. (2006), "Spiritual but not religious? Evidence for two independent dispositions", *Journal of Personality*, 74, pp.1257-1292.
- Silberman, I. (2005), "Religion as a meaning system: Implications for the new millennium", *Journal of Social Issues*, 61, pp.641-663.
- Spilka, B., Hood, R. W., & Gorsuch, R. L. (1985), *The psychology of religion: An empirical approach*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Streyffeler, L. L., & McNally, R. J. (1998), "Fundamentalists and liberals: Personality characteristics of Protestant Christians", *Personality and Individual Differences*, 24, pp.579-580.
- Van Hiel, A., Kossowska, M., & Mervielde, I. (2000), "The relationship between openness to experience and political ideology", *Personality and Individual Differences*, 28, pp.741-751.
- Wilde, A., & Joseph, S. (1997), "Religiosity and personality in a Moslem context", *Personality and Individual Differences*, 23, pp.899-900.
- Wink, P., Ciciolla, L., Dillon, M., & Tracy, A. (2007), "Religiousness, spiritual seeking and personality: Findings from a longitudinal study", *Journal of Personality*, 75, pp.1051-1070.



تأثير العوامل الشخصية في التنبؤ بالابعاد المختلفة للتدين على أساس نظرية العوامل الخمسة الكبرى للشخصية

مهدي دهستاني*

هدف هذا البحث دراسة تأثير عوامل الشخصية في التنبؤ بالجوانب المختلفة للتدين. تتألف العينة التي اجري عليها هذا البحث من ۴۳۶ طالباً من طلاب جامعة «پيام‌نور» في طهران حيث أجابوا عن الاسئلة الواردة في استمارة الاستبيان المجتمعية، واستمارة استبيان الشخصية ذات الخمسة عوامل «تسو» النسخة الموجزة، اضافة إلى استمارة استبيان التدين. وقد اظهرت النتائج وجود ترابط ذي دلالة بين الجوانب المختلفة للتدين وبين عوامل الشخصية. وكان اتجاه النزعة الخارجية هو عامل الشخصية الوحيد الذي لا يرتبط بشكل ذي دلالة بجوانب التدين في نموذج بحثنا الحالي. عالم الشخصية «الانفتاح على التجربة» هو أهم عوامل التنبؤ بالتدين ومن بعده هناك تأثير لعامل الشخصية «الضمير» و «التوافقية» في التنبؤ بأبعاد التدين. وعلى أساس هذه المعطيات يمكن القول ان عوامل الشخصية تستطيع التنبؤ بالجوانب المختلفة للتدين. والسهم الأوفر في هذا المجال يعود إلى عامل الانفتاح على التجربة، ومن بعده عاملا «الضمير» و «التوافق» اللذين يُعتبران العاملين الأساسيين في تبين مختلف أبعاد التدين.

الألفاظ المفتاحية: التدين، عوامل الشخصية، الإنفتاح على التجربة، الوجدانية.